

## روزنه

موافقان محدودسازی اینترنت دست‌به‌کار شدند

## تصویب طرح صیانت در هفته آینده!

● شرق: موافقان طرح صیانت و پروژه محدودسازی اینترنت دست‌به‌کار شده‌اند تا در برابر اقلیت مخالف قانون‌نویسی خلاف قانون اساسی و حقوق شهروندی، خواست خود را بر کرسی بنشانند. به گفته نماینده مردم همدان و فامین در مجلس شورای اسلامی، قانون حمایت از کاربران در فضای مجازی هفته آینده تصویب می‌شود.
حجت‌الاسلام احمدحسین فلاحی در رابطه با قانون صیانت از فضای مجاز توضیح داد: قانون حمایت از کاربران در فضای مجازی در بیش از ۴۰ کشور وجود دارد و صاحبان پیام‌رسان‌های بیگانه در کشور ما دفتر ندارند که پاسخ‌گو باشند که یک مردم همدان و فامین در مجلس ادامه داد: در این طرح، ما به دنبال ساماندهی هستیم و نمی‌خواهیم فیلتر کنیم و اصلا تا زمانی که زیرساخت داخلی نداشته باشیم، نمی‌توانیم فیلتر کنیم. فلاحی مطرح کرد: برخی نمایندگان با تفکر سیاسی خاص تا الان نتوانسته‌اند کار پیش نرود و از ۲۳ نفری که در کمیسیون هستیم، چهار نفر سعی کردند زمان کمیسیون را بگیرند و از هر طرف فشار آمده تا کار انجام نشود؛ اما ان‌شاءالله به‌زودی در هفته آینده تصویب می‌شود. تلاش برای تصویب این طرح که مخالفان بسیاری میان کارشناسان و نخبگان کشور و مردم عادی دارد، به لجاجتی تبدیل شده که یک اقلیت تندرو موافق محدودسازی اینترنت در برابر اکثریت مخالف ایستادند و در کمیسیون مشترک توانستند ترکیبی بچینند که به نتیجه دلخواه برسند. هرچند مخالفان اندک این‌ طرح در کمیسیون مشترک تاکنون نسبت به تبعات تصویب طرحی خلاف قانون اساسی و حقوق شهروندی بارها هشدار داده‌اند. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز چند هفته پیش اعلام کرده بود طرح صیانت مغایر با قانون اساسی است، اما موافقان طرح، نظر مرکز پژوهش‌ها را مشورتی ارزیابی کردند و به‌صراحت گفتند الزامی برای توجه به نظرات کارشناسی ندارند و بی‌توجهی به نتایج کار کارشناسی یک امر معمول در مجلس است.
ایذخواه، دیگر نماینده عضو کمیسیون مشترک نیز چندی پیش از احتمال تصویب طرح تا پایان بهمن خبر داده و گفته بود در یک ماه، نسخه نهایی طرح به شورای نگهبان عرضه می‌شود. البته نایب‌رئیس کمیسیون مشترک مدعی شده بود در نسخه نهایی طرح حمایت از حقوق کاربران، اصلاحات مد نظر این مرکز و نظرات مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات نیز اعمال شده و به‌نوعی این نسخه، مورد وثوق و وفاق همه قرار دارد. اما با نگاهی به متن نهایی طرح عدم تغییر اساسی در طرح و بازی با کلمات و اصلاحات می‌شویم. حتی بحث فیلترینگ که در انتهای هفته می‌شود در طرح حذف شده است، به نحای مختلف به شهادت نمایندگان مجلس همچنان در طرح وجود دارد.
تاکید موافقان طرح بر عدم پیش‌بینی بندی قانونی در طرح صیانت برای فیلترینگ در حالی مطرح می‌شود که با کاهش پهنای باند، به‌راحتی استفاده از هر اپلیکیشنی که به این درد دچار شود، ناممکن خواهد شد؛ امری که با تصویب این طرح، به‌راحتی قابل اجرا خواهد بود و میلیون‌ها کاربر اپلیکیشن‌های خارجی امکان فعالیت خود را در فضای مجازی از دست خواهند داد. بخش اعظمی از این کاربران با کسب‌وکارهای خود را با همه‌گیری کرونا به فضای مجازی و اپلیکیشن‌های خارجی بردند یا از ضمان ابتدا کسب‌وکاری را در این فضا برای خود تعریف کرده بودند و این‌گونه یک شیشه، ماه‌ها تلاش این کاربران ناپود خواهد شد؛ همچنین رانت ایجادشده برای اپلیکیشن‌های داخلی از نوع حمایت از تولید ملی در صنعت خودرو و مواردی این‌چنینی است که به درآمزیایی چندصدمیلیاردی برای افراد خاص، جز خسران و ضرر همیشگی مردم و نادیده گرفته‌شدن حقوق شهروندان در فضای امنیتی حاکم بر فضای مجازی، دستاوردی نخواهد داشت؛ زیرا در فرایند تدوین طرحی برای سامان‌بخشی فضای مجازی که تاکنون پنج بار متن طرح تغییر کرده است، همچنان نگاه مجلسی را در حقیقت اقلیت تندرو مجلس، تأکید بر محدودسازی شبکه‌های مجازی خارجی و ایجاد رانت برای پلتفرم‌های مجازی داخلی است «که تجربه چند سال اخیر نشان‌دهنده عدم استقبال کاربران ایرانی به سبب ضعف امنیتی و تکنولوژیکی آنها بوده است.» تجربه حمایت بی‌دلیل از اپلیکیشن‌های داخلی را در زمان فیلترینگ تلگرام دیدیم که در نهایت فقط هدردادن بیت‌المال بود و حتی این برنامه‌ها امکان خدمات‌دهی به تعداد بالای کاربران را هم نداشتند و نتوانستند میزبانی درستی از کاربران ایرانی داشته باشند.حال که وعده تصویب طرح در کمیسیون مشترک در هفته آینده مطرح شده و احتمال ارسال آن به شورای نگهبان تقویت شده است، باید چشم امید به شورای نگهبان بست تا طرحی خلاف قانون اساسی را تصویب نکند؛ زیرا موافقان طرح به خوبی نشان داده‌اند از خواسته خود که به قول آقاآهرانی «ما کار خودمان را می‌کنیم»، کوتاه نخواهاند آمد و به قول فلاحی از ۲۳ عضو کمیسیون با کارکردی چنین مهم، فقط چهار نفر مخالف طرح هستند و حتی عدالت نیز در ترکیب این کمیسیون رعایت نشده که بتوان انتظار حمایت از حقوق مردم را در رای‌گیری نهایی کمیسیون داشت.

## ادامه از صفحه ۴

بحرین یکی از مواردی است که تصمیم حکومت در داخل آن با منتقدانی مواجه است و بخشی از افکار عمومی داخلی مخالف این کار هستند. متأسفانه مخالفان خیلی کمی داشت؛ به استثنای احزاب پان‌ایرانیست و برخی سیاست‌ورزان و گروه‌های همسوی آنان.

● یک‌جور چنددستگی درباره آن وجود دارد و در جاهایی مثل برجام است. مثلاً برجام مذاکراهی است که تصمیم نهاد حاکمیتی است که با دستورالعمل مشخص مذاکره انجام شده و به توافق رسیده و باید اجرا شود، اما در داخل با مخالفان متعددی مواجه است و در بدنه حاکمیت نیز انتقاد از مسئله وجود دارد. این دو موضوع حتماً تفاوت‌هایی باهم دارند، اما از منظر همین فرغ مخالفت‌ها، این‌دو را چطور با هم قیاس می‌کنید؟

سؤال زیاد سختی نیست؛ یعنی پاسخش راحت است، ولی از آن پاسخ‌هایی که دردآور است و دوست ندارم درباره آن صحبت کنم، اما باید بگویم در هر دو مورد و در بسیاری از توافق‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران (و سایر کشورها) دو طرف دعوا به جایی می‌رسند که از رویکرد خودشان نتیجه نگرفته‌اند، مثلاً در مورد برجام که صحبت شد، اولین مراحل آشکارشدن اختلاف‌های ایران و جامعه بین‌المللی به سرکردگی آمریکا، در موضوع پرونده هسته‌ای ایران، وقتی مطرح شد که آقای کالین پاول، وزیر خارجه اول جورج دبلیو بوش، خیلی صریح گفت ایران به دلیل اینکه یکی از غنی‌ترین منابع سوخت فسیلی را دارد، اساساً نیاز به برنامه هسته‌ای ندارد و نظامی و غیرنظامی‌اش مهم نیست، اصلاً نباید برنامه هسته‌ای داشته باشد، اظهاری که کاملاً مغایر پادمان ان‌بی‌تی و عضویت ایران در آن است. الان وضع ما از نظر هسته‌ای چطور است؟ در مسئله برجام ایران نتوانست فشارهای آمریکا، اروپا و جامعه بین‌المللی را نادیده بگیرد. از آن طرف هم دولت‌های آمریکایی دموکرات و جمهوری‌خواه، نتوانستند منویشناسان را به ایران تحمیل کنند و ایران را به زانو درآورند. کار به جایی رسید که بن‌بست مطلق و نیاز به توافق بود. مسئله بحرین هم همین است، شما یک سری مطالبات به‌حق تاریخی از ۲۰۰ سال قبل دارید و آن طرف می‌گوید دست بکش و برو بگذار برای من باشد یا مستقل باشد. ایران امکان ادامه آن وضعیت را نداشت؛ یا باید وارد جنگ می‌شد یا بر اساس هزینه- فایده با قبول یک شکست تاریخی، استقلال بحرین را می‌پذیرفت و به ازای آن اتحاد راهبردی با غرب و تفوق منطقه را برای خودش نگه می‌داشت. ایران در مسئله بحرین راه دوم را انتخاب کرد. در مذاکرات برجام هم همین‌طور. طبیعتاً ایران و آمریکا در مسئله برجام امتیاز دادند.

هنر این نوع مذاکرات در برجام و بحرین (البته ماهیت این دو یکی نیست، چون بحث سرزمین مطرح بود) این است که یک طرف کمترین امتیاز را بدهد و بیشترین امتیاز را بگیرد. این باید محل قضاوت باشد اما اینکه این کار نباید انجام می‌شد، فائزیه‌های رؤیایی و خواب و خیاب و خیال است که باید این کار را می‌کردیم. من معتقدم توافق برجام از صدر تا ذیل پر از اشکال است اما در آن زمان، ایران احتمالاً یک ساتنی‌تر بیشتر از آن نمی‌توانست به دست بیاورد. در شرایط خلا من در اتاقم می‌نشیم و می‌گویم این قرارداد پر از اشکال است اما وقتی با موجودی‌تی طرف هستنید که بعد از هشت سال دوران تباهی آقای احمدی‌نژاد به جایی رسیده‌ای که تمام دنیا علیه شما هستند و چندین قطع‌نامه با اکثریت صددرصدی علیه ایران تصویب شده، شما راهی جز این ندارید. هنر این است که آقای صالحی با آقای ارزست موزین، وزیر انرژی آمریکا، مذاکره کند و قسمت‌هایی از برنامه هسته‌ای ایران را که ناکارآمد و ازکارافتاده و از رده خارج است و می‌خواهند تعطیل کنند، با بندبازی به آمریکا بفروشند و بگویند ما به خاطر شما کوتاه می‌آیم و تعطیل می‌کنیم و در ارایش به ما امتیاز بدهید. این کار را آقای صالحی با مهارت انجام داده که کار مهمی هم بوده است؛ یعنی تقسیم‌های زرده‌خارج برنامه هسته‌ای ایران را به آمریکایی‌ها فروخته و بابتش امتیاز گرفته است که یک دستاورد تاریخی است. البته اگر ایران می‌توانست یک ریال به آمریکا ندهد و آمریکا چند صد میلیارد به ایران بدهد، خیلی بهتر بود اما اینها حرف‌های رؤیایی است. به نظر ایران را در مورد بحرین چاره‌ای نداشت و در مورد برجام هم همین‌طور؛ علاوه بر اینکه دستاوردهای بسیاری داشت.

● شما یک جمله معروف دارید که «در نقد سیاست پاهای باید روی زمین باشد»؛ فکر می‌کنم

مصادقش همین توضیحات است.

گفته می‌شود در سیاست و پژوهش دو پا باید روی زمین باشد، روزنامه‌نگاران می‌گویند ما مثل بیلاردباز هستیم؛ باید یک گوشه پامان روی زمین باشد، باقیش اگر روی هوا بسود اشکالی ندارد. بیسمارک صدراعظم قرن ۱۹ آلمان می‌گوید سیاست هنر ممکنات است. در قسمت دوم می‌گوید هنر سیاست این است که شما بخش‌های دهم بهترین بعدی کدام است، چون همیشه ممکن است، چون

در گفت‌وگو با مجید نفرشی، چگونه بحرین از ایران جدا و مستقل شد

# درفراندوم، سرایران را کلاه گذاشتند



می‌خواهند ترکیب جمعیتی را به نفع اهل سنت غیرایرانی‌تبار به هم بزنند. اینکه خودشان را ایرانی‌تبار می‌دانند و اینکه ابراز می‌کنند دو موضوع است. اگر ابراز کنند ایرانی‌تبار هستند، به‌طور سیستماتیک با حتی مخفی، حقوق خود در آنجا را از دست می‌دهند؛ چون سیاست ایران‌زدایی در آنجا از چند دهه قبل از استقلال بحرین شروع شده بود. مثلاً سندی در آرشو ملی بریتانیا هست درباره دستور تعطیلات مدارس ایرانی و زبان فارسی در ۱۹۵۰؛ یعنی دو دهه قبل از اعلام استقلال بحرین. اما واقعیت این است که ایرانیان آنجا هستند و زبان فارسی و آیین تشیع هم همچنان رایج است و حکومت هم سعی می‌کند ترکیب جمعیتی را به هم بزند. ایران به‌جای فکر لشکرکشی و پس‌گرفتن بحرین، باید دنبال نفوذ فرهنگی و قلمرو آیینی، فرهنگی و زبانی خودش در آنجا باشد.

● یکی از افتخاده‌ها به ماجرای استقلال بحرین در آنجا شاه، ایران است که چرا مثلاً شاه فراندوم و نتیجه‌اش را پذیرفت اما با حکومت بحرین یک بیانیه یا تعهدنامه درباره اکثریت شیعه آنجا امضا نکرد؟ چون در مورد بحرین سازمان ملل میانجی بود و نماینده ایتالیایی سازمان مل بود که سر ایران کلاه گذاشت، حالا نمی‌دانم نابخردی بود یا از روی غرض بوده یا رشوه گرفته بود.

● برای نهادی مثل سازمان ملل متحد که مردم، قومیت‌ها و اقلیت‌ها در آن مهم به نظر می‌رسند، این پرونده به مسئله تبدیل نشد؟ ایران شکایتی درباره نحوه انجام فراندوم به سازمان ملل کرد؟ هیچ‌کدام در سازمان ملل درباره این موضوع انتقادی مطرح شد؟

وچدان عمومی بین‌المللی و عزم سازمان ملل در هر صورت بر استقلال بحرین بود. آلت‌رئاتیوهای دیگر، ماندن تحت استعمار بریتانیا بود یا بازگشت به ایران بعد از ۲۰ سال که سازمان ملل طوری تحت تأثیر بریتانیا بازی کرد که مردم بحرین استقلال می‌خواهند و هیچ بین‌بشر بی‌طرفی در دنیا، از استقلال یک قوم که ۲۰۰، ۳۰۰ سال مستعمره بوده‌اند، بدش نمی‌آید. در مورد ایران این‌طور مطرح شد که خواهان ادامه استعمار بحرین برای خودش است؛ یعنی بحرین را از استعمار بریتانیا خارج کرده و به استعمار خودش دربیابرد. به وجدان جامعه بین‌المللی این‌طور تفهیم نشده بود که ایران می‌خواهد حق خودش را پس بگیرد. بحرین از سال‌ها قبل با زمینه‌سازی عرب‌ها و بریتانیا بر استقلال و جداسازی قطعی‌اش از ایران تأکید داشته و در مبارزه تبلیغاتی بین‌المللی علیه ایران، سال‌ها قبل ایران قافیه را باخته بود و هیچ راهی نداشت.

● بااین حال می‌توانیم بگویم اداره مربوطه در وزارت خارجه اداره موقتی بودند یا می‌شود گفت آنها اشتباه عمل کردند؟ بحث فرد مطرح نیست، اما بالاخره آن اداره مسئول بوده که نظرسنجی فراندوم را درست انجام دهند یا وضعیت قومیت ایرانی را در آنجا مشخص کنند. تا جایی که من می‌دانم تیمی که در ماجرای بحرین کار می‌کردند، از اردشیر زاهدی گرفته تا فریدون زندفرند، معاون امور خلیج فارس، دکتر مهاجر یا آقای رضا قاسمی در این زمینه فعال بودند و تا زمانی که شاه مصاحبه کرد، براساس منوبات شخص اول مملکت، دنبال این بودند که ایران بحرین را پس بگیرد؛ از طریق مذاکره، چانه‌زنی و کمیون بین‌المللی یا حتی آماده‌گی برای حمله نظامی، یعنی این گزینه همیشه بود. ولی وقتی شاه به هر دلیلی، حق یا ناحق به این نتیجه می‌رسد که این کار نشدنی است و زیر بار حرف سازمان ملل و بریتانیا می‌رود، از دست وزارت خارجه چه کاری برمی‌آید. البته آقای زندفرند می‌گفت ما کارمان را می‌کردیم و مصمم هم بودیم ولی می‌دانستیم که بسیار بسیار بسیار (سه بار تکرار می‌کرد) دشوار و نشدنی است ولی شاه تا زمانی که گفت انجام دهیم، بیگیر قضیه بودیم. اما وقتی شاه مملکت لااکنار می‌کند، وزارت خارجه چه کار می‌تواند بکند؟ در آن زمان هم وزارت امور خارجه مجری عوامل بالادستی‌ها بود.

● شما اسناد زیادی را در مورد بحرین و جزایر بررس کرده‌اید. می‌دانیم که در زمان جدایی

## دیپلماسی

بحرین، مذاکره با سازمان ملل، بریتانیا و برخی کشورهای خلیج فارس انجام می‌شود برای اینکه مقامات ایران تصویر و اتمسفری از ایران مطرح کنند که ضد استقلال کشور کوچک مثل بحرین نیست. فرایند دیپلماتیک این کارها چطور انجام می‌شود؟ چقدر شخص اول مملکت درباره همه‌شان نظر می‌دهد؟ چقدر کارشناسان وزارت خارجه در این مورد تأثیرگذار بودند و چقدر منابع آنها به نسل بعدی رسید؟

خلیج سؤال فنی و پیچیده‌ای است. در مسئله بحرین و جزایر، یقیناً شاه مداخله داشت و هویدا در هر دو مورد عملاً هیچ‌کاره بود. چرا؟ چون وزیر خارجه یعنی اردشیر زاهدی مستقیم به شاه وصل است و به‌شدت هم با نخست‌وزیر اختلاف دارد. زاهدی سمت وزارت خارجه‌اش را بعضاً به دلیل دشمنی با هویدا و لندن بر سر مسئله جزایر از دست داد. زاهدی در دیپلماسی کاره‌ای نبود یعنی این‌طور نبود که از وزارت خارجه بالا آمده باشد اما تیمی که با او کار می‌کردند، کاملاً حرفه‌ای بودند؛ مرحوم آقای فریدون زندفرند و آقایان عزالدین کاظمی، قاسمی، مهاجر و دیگران.

● پسر آقای باقر کاظمی چقدر نقش داشت؟

باقر کاظمی (مذهب‌الدوله) از زمان احمدشاه تا زمان مصدق به تاواب وزیر خارجه بوده. پسر آقای کاظمی، یعنی عزالدین کاظمی در زمان مذاکره بر سر جزایر و استقلال بحرین در بخش حقوقی وزارت خارجه بود. در بخش اداره خلیج فارس سه نفری که عرض کردم، بودند. آنها به‌صورت مداوم شاه را در جریان اخبار و تحلیل‌ها قرار می‌دادند و به نوعی اطلاعات او را به‌روز می‌کردند. زمانی‌که شاه پشت ماجرای مقابله با منویات بریتانیا و به‌تبع آن انجم سازمان ملل بود، آنها هم کار خودشان را انجام می‌دادند. ضمن اینکه مرحوم آقای زندفرند به من گفت ما خیلی امیدوار نبودیم موفق شویم. دیپلماسی ما هم شکست خورد بود چون دستورالعمل انفعالی در مورد جلسات این بود که اگر نماینده بحرین در جلسه حضور داشته باشد، باید خارج شوند. واقعیت این است که این کار جواب نداد و شکست خورد. مهم این بود که ایوزیسیون ایرانی و حتی افکار عمومی داخلی ایران در مسیر استقلال بحرین با شاه همکاری کنند، اما

در مورد مسئله بحرین هیچ همدلی و حمایتی از حکومت نکرند تا جلوی ماجرا بایستد و بدتر از آن در چهار لایه، سیاست‌مداران بین‌المللی، حتی دوستان شاه، مخالفین، نخبگان، اندیشمندان، روزنامه‌نگاران و افکار عمومی هیچ‌کدام با بازبس‌گیری بحرین همراهی نمی‌کردند. ایران تنهای تنها بود، هیچ جایی پیدا نمی‌کند که دیگران بگویند ایران در مسئله بحرین صاحب حق بود. کار پژوهشی در وزارت خارجه چاپ می‌شود اما در زمینه دیپلماسی عمومی و فتح قلوب و اذهان سازمان ملل طوری تحت تأثیر بریتانیا بازی کرد که مردم بحرین استقلال می‌خواهند و هیچ بین‌بشر بی‌طرفی در دنیا، از استقلال یک قوم که ۲۰۰، ۳۰۰ سال مستعمره بوده‌اند، بدش نمی‌آید. در مورد ایران این‌طور مطرح شد که خواهان ادامه استعمار بحرین برای خودش است؛ یعنی بحرین را از استعمار بریتانیا خارج کرده و به استعمار خودش دربیابورد. به وجدان جامعه بین‌المللی این‌طور تفهیم نشده بود که ایران می‌خواهد حق خودش را پس بگیرد. بحرین از سال‌ها قبل با زمینه‌سازی عرب‌ها و بریتانیا بر استقلال و جداسازی قطعی‌اش از ایران تأکید داشته و در مبارزه تبلیغاتی بین‌المللی علیه ایران، سال‌ها قبل ایران قافیه را باخته بود و هیچ راهی نداشت.

● عجیب نیست که مردم برای حفظ بحرین با شاه همراهی نمی‌کنند؟ آشکار است وقتی حکومتی مشروعیت و مقبولیت لازم و کافی را ندارد، مردم از اقدام مناسب هم حمایت نمی‌کنند. دولت ایران از روز اول بی‌خیال بحرین نشد، در فاز آخر بالاخره کوتاه آمد. حتی تا زمانی که دولت ایران در مسئله بحرین مقاومت و تلاش می‌کرد، بازهم مورد حمایت کسی واقع نشد؛ چون حکومت شاه مشروعیت و محبوبیت چندانی در نزد بسیاری از مردم نداشت.

● وقتی شاه می‌تواند جزایر را بازبس بگیرد چطور، برای مردم مهم نیست؟

اهمیت جزایر در افکار عمومی درک نشده بود. سه جزیره بودند که دوتای آن کاملاً متروک و یکی ظاهراً کم‌اهمیت بود و اهمیت استراتژیک‌ش بعداً معلوم شد. در یکی هم نفت پیدا شد.

● یعنی بازبس‌گیری جزایر، قسط اهمیت دیپلماتیک‌اش؟

موضوع پیروزی در بازبس‌گیری جزایر اهمیت دیپلماتیک داشت؛ آن‌هم بعد از شکست بحرین. در سال ۱۹۷۵ نیز ایران مشکلات مرزی‌اش را با عراق حل کرد. مسئله حق حاکمیت و مالکیت ایران در شط‌العرب از زمان عثمانی‌ها مطرح بوده.

● یعنی قرارداد ۱۹۷۵ برای مردم ملموس بوده؟

بله آنجا کسانی زندگی می‌کردند. موضوع اختلافات مرزی ایران و عراق، ادامه مسئله چندصدساله اختلافات مرزی با عثمانی است. مسائلی چون عبورمورور و حمل‌ونقل و آب‌های مشترک از اول مطرح بود و بعداً مسئله نفت هم مطرح شد. حتی در مذاکرات ارزنه‌الرووم بین ایران و عثمانی در زمان محمدشاه قاجار هم انگلیسی‌ها ناظر بودند و خیلی از گزارش‌های میرزا تقی‌خان (امیرکبیر بعدی) نماینده ایران در اسناد بریتانیایی موجود است که هنوز منتشر نشده. قرارداد ۱۹۷۵ به برخی از مشکلات چندصدساله ایران پایان داد. این آن‌قدر مهم است که هنوز دولت عراق که می‌گویند با ایران نزدیک است، جرئت نکرده همه‌اش را اجرا کند. ۱۹۷۵ را نباید نادیده گرفت. می‌توانیم ناسزا بگوییم و عنوان کنیم که ایران نوکر آمریکا بود اما نباید قرارداد ۷۵ و ۷۱ را نادیده گرفت این دو قرارداد برای ایران موفقیت بزرگی بود، به‌جز موضوع بحرین که به نظر همه سهم‌شکست را در نهایت فقط به شخص شاه نسبت داد. البته مقصر هم هست.

### یادداشت

چشم‌اندازی به‌الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

## اولویت‌های اجرای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

علی‌اکبر موسوی‌موحدی

● منطق تدوین چشم‌انداز برای پیشرفت کشورها ایجاب می‌کند که اهداف پیشرفت در ابتدا به‌صورت آرمانی تعریف شود؛ سپس واقعیت‌ها، براساس آن اهداف و با عنایت به شرایط زمان، ترسیم شود. در مراحل بعد هم نوبت به اجرا و مدیریت می‌رسد. ازاین‌رو الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، در چشم‌انداز آرمانی خود به تربیت و سلامت انسان پیشرفته در اخلاق، دانش و خرد پرداخته است. چنین انسان‌هایی در دامن خانواده پاک و خردمدار، جامعه سرشار از محبت، همکاری، احترام، امید، معنویت و سلامت، مدرسه، دانشگاه و مراکز علمی پیشرفته در دانش و اخلاق، تربیت و نگهداری می‌شوند؛ چراکه کشور پیشرفته و پایدار از وجود و حضور چنین انسان‌هایی شکل می‌گیرد. دستاورد انسان خردمند و دانش‌مدار، شیبه خود او است؛ بنابراین رکن اساسی برای کشور پیشرفته، حد نصابی از حضور فعال انسان‌های متعالی در جامعه است، البته حضور و ماندگاری چنین شخصیت‌هایی در کشور، نیاز به ایجاد فضای خاصی دارد. ایجاد این فضا، موجب تربیت، ماندگاری و عدم مهاجرت انسان‌های بزرگ شده و در پی آن، آثار رشد در کشور نمایان می‌شود. این فضا، ارکان متعددی دارد که الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، آنها را ترسیم کرده است؛ اما در مقام اجرا، برخی از آنها اولویت و اهمیت بیشتری دارند. رکن اول: ازدواج به‌موقع و با همتای خود است. زیرساخت کشور از نظر اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باید طوری بی‌ریزی شود که جوانان بتوانند خانواده و زندگی پایدار و شاد داشته باشند. رکن دوم: نقش آموزگار علم و معنا، فضا و ساختار مدرسه و دانشگاه اهمیت می‌یابد. تربیت و پرورش معلم و استاد، زیرساخت مدرسه، دانشگاه مرکز علمی است.

رکن سوم: جامعه سالم، شرط اصلی و مهم پیشرفت است و یکی از ارکان تربیت و ماندگاری انسان‌های ارزش‌مدار در کشور است.

یکی از مهم‌ترین معیارها برای تربیت، پرورش و ماندگاری انسان ارزش‌مدار، اصل ظرفیت‌سازی است. ظرفیت‌سازی بر مبنای نظریه‌ای به این مضمون استوار است که از هر فرد، مؤسسه، انجمن، آموزشگاه، پژوهشگاه، ساختار و نهاد، باید حسب توانایی و فراخور حال، حمایت و از جایگاه متناسب برخوردار شود تا بتواند مطابق با قابلیت و توانمندی خود فعالیت کند.

اصل مهم دیگری که در طبیعت گذاشته شده است، اصل تعاون و هماهنگی کارگزاران است. برای اداره سازمان نباید فقط از کارگزاران مشابه با هم استفاده کرد؛ بلکه باید به کسانی اولویت داد که دارای نگرش غیرمشابه هستند. این موضوع، عامل تعاون و هماهنگی در اداره امور می‌شود.

نتیجه‌گیری کلی: انسان خردمند و دانش‌مدار را بر مبنای اخلاق از کودکی تا پیری تربیت و پرورش دهیم و در رضایت او بکوشیم و از او نگهداری کنیم.

●عضو اندیشکده علم مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و استاد دانشگاه تهران

### خبر

## پیش‌بینی افزایش ترافیک تهران در اسفندماه

● شرق: رئیس پلیس پایتخت از اجرای طرح‌های ویژه برای تأمین امنیت مراکز خرید و مراکز تجمعی و همچنین روان‌سازی و مدیریت ترافیک برای روزهای پایانی سال خبر داد. سردار حسین رحیمی درباره تمهیدات پلیس برای روزهای پایانی سال و ایام متمهی به نوروز اظهار کرد: از ابتدای اسفندماه طرح‌های ترکیبی پلیس با مشارکت پلیس امنیت، پلیس پیشگیری، پلیس آگاهی و پلیس راهور به اجرا درمی‌آید. بر این اساس سه پلیس پیشگیری، آگاهی و امنیت نسبت به تأمین امنیت مراکز خرید و مراکز تجمعی و همچنین شهروندان و افراد حاضر در این مراکز اقدام خواهند کرد. وی افزود: همچنین با اجرای طرح‌های عملیاتی با ارادل و اوشاش و همچنین فرورسنگدان مواد متحرقه در پایتخت برخورد خواهیم کرد. در حوزه ترافیک نیز پلیس راهور در این زمینه فعالیت خواهد کرد و نسبت به روان‌سازی ترافیک در اطراف مراکز خرید و اماکن پرتردد و معابر اصلی اقدام خواهد کرد. رحیمی با بیان اینکه پیش‌بینی می‌کنیم که در روزهای پایانی سال و به‌خصوص اسفندماه ترافیک در برخی از معابر ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش پیدا کند، گفت: در همین راستا نیز برنامه‌های ویژه ترافیکی را برای این منظور در نظر گرفته‌ایم. وی در پایان درباره زمان اجرای طرح‌های عملیاتی نیز گفت: از صبح و هم‌زمان با آغاز ترافیک صبحگاهی و فعالیت در ترکیب این کمیسیون رعایت نشده که بتوان انتظار حمایت از حقوق مردم را در رای‌گیری نهایی کمیسیون داشت.